روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم در آب گیری به نام «خُم» در میان مکه و مدینه، به سخنرانی پرداخت و پس از حمد و ثنای الله، ما را پند و موعظه داد.

از یزید بن حیان روایت است که می گوید: با حصین بن سَبْرَة و عمرو بن مسلم، نزد زید بن ابی ارقم رضی الله عنه رفتم. وقتی نزدش نشستیم، حصین به او گفت: ای زید، تو به خیر فراوانی دست یافته ای؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیده ای، سخنانش را شنیده ای، همراهش جهاد کرده ای و پُشت سرش نماز خوانده ای. ای زید، تو به خیر فراوانی دست یافته ای؛ آنچه از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ای، برای ما بازگو کن. (زید) گفت: ای برادرزاده، من پیر شده ام و روزگاری دراز بر من گذشته است و بخشی از مطالبی را که از پیامبر صلی الله علیه وسلم حفظ کرده بودم، فراموش کرده ام. پس هرچه برای تان گفتم، بپذیرید و هرچه نگفتم، مرا به گفتن آن مکلّف نکنید. سپس گفت: روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم در آب گیری به نام «خُم» در میان مکه و مدینه، به سخنرانی پرداخت و پس از حمد و ثنای الله، ما را پند و موعظه داد و فرمود: «أَمَّا بعْد: أَلا أَيُّهَا النَّاس، فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَ رسولُ ربي فَأُجيب، وأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْن: أَوَّلهُما كِتابُ اللَّه، فِيهِ الهُدى وَالنُّور، فَخُذُوا بِكِتابِ اللَّه، وَاسْتَمْسِكُوا به»: «اما بعد؛ ای مردم، آگاه باشید که من بشری هستم و نزدیک است فرستاده ی پروردگارم (ملک الموت) به سراغم بیاید و من ندای او را بپذیرم. دو چیز ارزنده در میان شما می گذارم: اول کتاب الله که سراسر هدایت و نور است؛ پس آن را محکم بگیرید و به آن چنگ بزنید». درباره ی قرآن سفارش کرد و تشویق و ترغیب نمود. سپس فرمود: «وأَهْلُ بَيْتِي، أُذكِّركم اللَّه في أهلِ بيْتي، أذكِّرُكم اللَّه في أهل بيتي»: «و (دوم) اهل بیتم. درباره ی اهل بیتم، الله را به شما یادآور می شوم؛ به شما یادآوری می کنم که درباره ی اهل بیتم از الله بترسید». حصین از او پرسید: ای زید، اهل بیت او چه کسانی هستند؟ آیا همسرانش، جزو اهل بیتش نیستند؟ پاسخ داد: همسرانش، جزو اهل بیت او هستند؛ ناگفته نماند که اهل بیتش، کسانی هستند که پس از او، صدقه (زکات) بر آنان حرام شده است. حصین گفت: آنها چه کسانی هستند؟ زید پاسخ داد: خاندان علی، خاندان عقیل، خاندان جعفر وخاندان عباس. پرسید: آیا صدقه بر همه ی اینها حرام است؟ جواب داد: بله. و در روایتی آمده است: «أَلا وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقْلَيْن: أَحدُهَما كِتَابُ اللَّه وَهُو حبْلُ اللَّه، منِ اتَّبَعه كَانَ عَلَى الهُدى، ومَنْ تَرَكَهُ كانَ على ضَلالَةٍ»: «بدانید که من دو چیز مهم و ارزنده در میان شما بر جای می گذارم: یکی از آنها کتاب الله (قرآن کریم) است که همان ریسمان الله می باشد؛ هرکس از آن پیروی کند، بر هدایت است و هرکس آن را رها نماید، بر گمراهی است».

[صحیح است] [به روایت مسلم]

از یزید بن حیان روایت است که می گوید: من و حصین بن سبرة و عمرو بن مسلم نزد زید بن ارقم رضی الله عنه رفتیم؛ هنگامی که نزد وی نشستیم، حصین به او گفت: ای زید، تو به خیر فراوانی دست یافته ای؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیده ای، حدیثش را از دهانش شنیده ای، همراه او در راه الله جهاد کردی و پشت سر او نماز خوانده ای؛ خیر فراوانی به تو داده شده است. ای زید، از آنچه از دهان مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدی برای مان بگو؛ زید گفت: ای برادر زاده، به خدا سوگند پیر شده ام و سنی از من گذشته است؛ و بخشی از چیزهایی که از رسول الله صلی الله علیه وسلم حفظ کرده بودم، از یاد برده ام؛ بنابراین هرچه برای تان گفتم، بپذیرید و هرچه نگفتم، مرا به گفتن آن مکلّف نکنید. سپس برای ما چنین روایت نمود: روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان ما و در وادی که آب گیری به نام خم داشت و در بین مکه و مدینه بود، به سخنرانی برخاست؛ پس حمد و ثنای خداوند گفت و به یادآوری مردم در مواردی پرداخت که از آنها غافل شده بودند؛ مواردی چون

رسیدگی به خانواده و خدمت به آنها و ادای حق عبودیت و بندگی؛ سپس فرمود: اما بعد، ای مردم؛ من بشری هستم، آمدنِ فرستاده ی پروردگارم نزدیک است؛ منظور ایشان ملک الموت بود؛ تا روحم را بگیرد و من خواسته ی او را اجابت کنم؛ من در میان شما دو چیز گرانبها به جای گذاشتم؛ اولین آنها قرآن است که دربردارنده ی هدایت و نور می باشد؛ آن را محکم بگیرید و از خود بخواهید که بدان چنگ زنید. به این ترتیب رسول الله صلی الله علیه وسلم به تمسک جستن به قرآن و گرفتن ریسمان آن تشویق می کند؛ سپس می فرماید: و اهل بیتم؛ شما را امر می کنم که در مورد آنها از الله متعال اطاعت کنید و حق و حقوق شان را رعایت نمایید؛ و دو بار این مساله را تاکید نمود. این بود که حصین گفت: ای زید، اهل بیت پیامبر چه کسانی هستند؟ آیا زنان ایشان را هم شامل می شود؟ زید گفت: زنان پیامبر صلی الله علیه وسلم از اهل بیت ایشان می باشند که با ایشان همنشین بوده و آنان را سرپرستی می کرد و ما را به رعایت احترام و گرامی داشت آنها امر نموده است؛ اما چون اهل بیت به صورت مطلق ذکر گردد، مراد از آنها کسانی هستند که بعد از او صدقات واجب بر آنها حرام است و عبارتند از: خاندان علی و خاندان عقیل و خاندان جعفر فرزندان ابوطالب و خاندان عباس؛ همه ی اینها از گرفتن صدقه ی واجب مانند زکات و نذر و کفاره منع شده اند؛ و در روایتی آمده است: بدانید و آگاه باشید که من در میان شما دو چیز گرانبها به جای گذاشتم، یکی از آنها کتاب الله است که عهد و پیمان او و سببی است که به رضایت و رحمتش ختم می شود و نور الهی است که با آن هدایت می کند؛ هرکس با اطاعت از اوامر آن و دست کشیدن از نواهی آن، از آن پیروی کند، بر هدایتی خواهد بود که ضد ضلالت و گمراهی است و هرکس از امر و نهی آن روی گرداند، بر گمراهی می باشد.

https://sunnah.global/hadeeth/fa/show/3084